

مجموعه مقالات نقد ادبی

با رویکرد ادبیات تطبیقی

(فارسی و عربی)

۲۲ مقاله چاپ شده در مجلات علمی - پژوهشی و علمی - تخصصی

به انضمام ۸ مقاله دیگر

دکتر وحید سبزیان پور

دانشیار دانشگاه رازی

آثبات یادداشت

1.yaridaneh@yahoo.com

۱۳۹۱

میرشناسه: سبزیان پور، وحید، ۱۳۳۷

عنوان و نام پدیدآور: مجموعه مقالات نقد ادبی با رویکرد ادبیات تطبیقی (فارسی و عربی): ۲۲ مقاله
چاپ شده در مجلات علمی-پژوهشی و علمی-تخصصی به انضمام ۸ مقاله دیگر / وحید سبزیان پور
مشخصات نشر: تهران، یار دانش، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۵۰۰ صفحه

شابک: ۷-۷-۱۳۴۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فنی

موضوع: ادبیات تطبیقی-فارسی و عربی-مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع: ادبیات عربی-تأثیر ایران-مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع: ادبیات فارسی-مقاله‌ها و خطابه‌ها

ردیابی کنگره: ۱۳۹۱/ع/۳۴۲۹/PIR

ردیابی دیویی: ۸۰/۹

شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۸۰۸۳۲

- کتاب: مجموعه مقالات نقد
- تألیف: دکتر وحید سبزیان پور
- نوبت چاپ: اول
- صفحه آرا: حدیثه رضایی
- طراحی جلد: مریم حسره‌ای
- ناشر: یار دانش
- قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان
- شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

فهرست مطالب

.....	مقدمه	أ
.....	بازشناسی منابع حکمت‌های عربی کتاب امثال و حکم دهخدا	۱
.....	معرفی کتاب چالش میان فارسی و عربی	۱۷
.....	سیر جعل و تحریف در کلام اسلام علی (ع)	۲۷
.....	نکته‌ای درباره‌ی کنایه‌ی «مروارید پیش خوک افشاندن»	۴۳
.....	نقدی بر کتاب ادب الأمثال و انحکام	۴۷
.....	نگاهی به کتاب مضامین مشترک در ادب فارسی و عربی	۶۱
.....	بازنگری در تحلیل و شرح مهدی محقق بر اشعار ناصرخسرو	۸۷
.....	ضرورت بازنگری در عبارات عربی کتاب «امثال و حکم» دهخدا	۱۱۱
.....	عرب‌زدگی در شرح و تحلیل متون ادب فارسی	۱۴۱
.....	نگاهی دوباره به بازشناسی منابع حکمت‌های عربی امثال و حکم دهخدا	۱۷۱
.....	درباره بیتی از بوستان	۱۹۹
.....	تأملی در یک بیت از محمد حسین شهریار	۲۰۱
.....	کنکاشی در تحلیل و بررسی دو پند حکیمانه در ادب الصغیر و نهج البلاغه	۲۰۵
.....	معرفی و نقد کتاب «فرهنگ جامع مثل‌ها و حکمت‌ها»	۲۳۵
.....	اهمیت منابع عربی در تبیین فرهنگ و ادب فارسی	۲۵۳
.....	تأثیر کلام علی (ع) در آثار ابن‌مقفع و نقدی بر مقاله‌ی الادب الصغیر و الکبیر	۲۸۱
.....	نقد و بررسی مدخل «از تو حرکت از خدا برکت»	۲۹۵

- ۳۳۱..... بررسی سرچشمه‌های حکایات روضه نخستین بهارستان جامی
- ۳۵۹..... نگاهی به کتاب «فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی»
- ۳۷۱..... نکته‌ای درباره‌ی چند بیت عربی در امثال و حکم دهخدا
- ۳۷۵..... معرفی و نقد و بررسی پنجاه‌ی مکتوب بر تاج انوشروان
- ۴۰۵..... نقد و بررسی منابع حکایات کتاب جاضع التمثیل
- ۴۲۷..... نقدی بر مقاله‌ی «مولوی و متنبی»
- ۴۵۷..... توضیحی درباره‌ی یک تشبیه در گلستان سعدی
- ۴۵۹..... ملاحظات درباره‌ی چند حکایت و بیت سعدی
- ۴۷۱..... مروری بر مهم‌ترین اصول و مبانی تدوین مقاله و پایان‌نامه
- ۵۰۷..... نقد کتاب «تجلی معارف نهج البلاغه در فرهنگ شعر و شاعران ایرانی»
- ۵۲۱..... پادشاهی در لباس فقر
- ۵۲۳..... نقدی بر دیدگاه‌های سعدی و جامی در خصوص مقام معلّم
- ۵۳۱..... توضیحی درباره‌ی بخشی از کتاب «مزدیسنا و ادب پارسی» و مقایسه‌ی آن با «تاریخ بیهقی»

نقد‌ها را بود آیا که عیاری گیرند
تا همه صومعه‌داران پی کاری گیرند

اگر میزان تأثیر و تأثر دو فرهنگ «ایرانی» و «اسلامی-عربی» را در میان ملت‌های بزرگ دنیا بی‌نظیر ندانیم، به یقین باید آن را کم‌نظیر دانست. تأثیر زبان و فرهنگ اسلامی و عربی در فرهنگ و زبان فارسی، امری ملموس و عینی و بی‌نیاز از شرح و توضیح است. ساده‌ترین دلیل آن، وجود واژگان بی‌شمار عربی و هزاران مضمون اسلامی - عربی در متون ادب فارسی و محاورات مردم کوچه و بازار است.

فرهنگ ایرانی چنان از آبخور فرهنگ اسلامی سیراب شده که تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی، یکی از محورهای گسترده پژوهش در ادب فارسی محسوب می‌گردد. شاعرانی چون منوچهری و عنصری به عربی‌دانی و بهره‌مندی از اشعار عرب افتخار می‌کنند، مولوی اثر جاودان خود، مشوی را تفسیری بر قرآن کریم می‌داند، سعدی علاوه بر اشاره به صدها مضمون عربی، ۲۷ قصیده به زبان عربی می‌سراید. محفوظ مدعی می‌شود که سعدی مضامین خود را از ادب عربی گرفته، دامادی کتابی با عنوان مضامین مشترک ادب عربی و فارسی می‌نویسد و ادعا می‌کند که به ۱۰۰۰ مدخل مشترک در ادب عربی و فارسی دست یافته است، اشعار ملمع (فارسی-عربی) جایگاه ویژه‌ای در آثار مولوی و سعدی و حافظ پیدا می‌کند، دیوان حافظ با یک مصراع عربی شروع شود. دهخدا در امثال و حکم، بیش از سه هزار عبارت و تعبیر عربی را از امثال مشهور در فرهنگ و ادب فارسی معرفی می‌کند و...

همه این عوامل موجب می‌شود برای فهم درست و دقیق ادب فارسی چاره‌ایی جز آشنایی با ادب عربی و مفاهیم حکمی آن نداشته باشیم. برای نمونه کافی است نگاهی به فهرست آیات قرآن، احادیث، امثال و اشعار عربی در شرح کتابهایی چون دیوان حافظ، گلستان، بوستان، مثنوی، حدیقه سنایی و... بیندازیم.

اما کار به اینجا ختم نمی‌شود «صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی»، با این توضیح که عموم محققان، این موضوع را از زاویه تأثیر فرهنگ اسلامی و عربی در فرهنگ ایرانی به شکل یکسویه بررسی کرده، به تأثیر فرهنگ و ادب ایرانی در ادب عربی عنایت کمتری نشان داده‌اند. این در حالی است که پیشینه تأثیر و تأثر دو فرهنگ ایرانی و عربی به قرون قبل از اسلام می‌رسد، علاقه پادشاهان ساسانی به خانه کعبه و زیارت از آن، حضور شاعران جاهلی در دربار ساسانی، رفت و آمد کاروان‌های تجاری، دست نشاندگی و اطاعت حاکمان حیره و یمن از شاهان ایرانی، حضور دبیران عرب در دربار ساسانیان، آماده باش دائمی سربازان ایرانی در مناطق حیره و عراق کنونی برای جلوگیری از حمله قبایل عرب به خاک ایران، عزیمت ۸۰۰ جنگجوی ایرانی به یمن، برای کمک به سیف بن ذی یزن و اقامت دائمی و اختلاط نژادی آنان در جزیره العرب و خوشنامی و شهرت آنان در ادب عربی به «بنو احرار»، استقرار کاخ مدائن در نزدیکی بغداد و شهرت این منطقه به نام دل ایرانشهر، از جمله عواملی است که زبان و فرهنگ ایرانی را قبل از ظهور اسلام، به سرزمین حجاز انتقال داد. حاصل این تعامل در قالب واژگانی فارسی ظهور کرد که در اشعار جاهلی و قرآن کریم دیده می‌شوند، در همین دوران؛ یعنی قرن‌ها قبل از سرایش شاهنامه، معارضان برای رقابت با قرآن کریم، در کنار نشانه کعبه مردم را دعوت به شنیدن داستان‌های رستم اسفندیار می‌کردند.

این نفوذ فرهنگی پس از ظهور اسلام با حضور ایرانیانی چون سلمان فارسی، هرمزان و... ادامه می‌یابد و نتیجه آن ثبت واژگان ایرانی و عبارت‌های فارسی از زبان سلمان فارسی، پیامبر (ص) و بعدها امامان شیعه می‌شود. پس از فتح ایران این ارتباط با مهاجرت عرب‌ها به ایران و بالعکس، شدت می‌گیرد، اختلاط نژادی، انتقال اسیران ایرانی به سرزمین حجاز و در نتیجه تربیت و پرورش بسیاری از بزرگان و حاکمان عرب در دامن مادران ایرانی، تلاش مؤثر ایرانیان برای سرنگونی حکومت بنی‌امیه و تأسیس و پایه‌ریزی دولت عباسی به دست آنان؛ نفوذ خاندان‌های ایرانی در دیوان اداری، نیاز شدید عرب‌ها به ایرانیان برای تبدیل خلافت، به حکومت، ترجمه متون پهلوی به

عربی، عربی‌سرایی شاعران ایرانی و فارسی زبان و سرمداری آنان در تدوین علوم اسلامی چون تفسیر، تاریخ، علوم ادبی و... از جمله عواملی است که موجب نفوذ فرهنگ ایرانی به فرهنگ عربی می‌شود. این نفوذ در قالب پیدایش ۲۵۰۰ تا ۴۰۰۰ واژه فارسی با محوریت تمدن و شهرنشینی در ادب عربی، نقل بیش از ۱۰۰۰ مضمون حکمی از شاهان و حکیمان ایرانی در منابع عربی، رواج آیین‌های ایرانی چون جشن نوروز و مهرگان شکل می‌گیرد و در نهایت تقلید خلفای عباسی از شاهان ساسانی چنان گسترش می‌یابد که ابن خلدون و برخی مستشرقان، خلافت عباسی را دولت خراسانی و ایرانی می‌نامند.

در همین دوران است که ثعالی نام ۱۲۹ شاعر ایرانی را در خراسان ثبت می‌کند که افکار و اندیشه‌های ایرانی خود را به زبان عربی و با استفاده از واژگان فارسی می‌سرایند. شاعران ذونسائین چون محمود و راق و ابوالفتح بستی به هر دو زبان عربی و فارسی شعر می‌سرایند. در بغداد و حجاز نیز شاعران ایرانی تبار چون بشار و ابونواس رسماً به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند و با استخدام واژه‌ها و حکمت‌های ایرانی از عوامل مهم انتقال فرهنگ ایران به فرهنگ عربی می‌شوند. عبدالحمید کاتب و ابن مقفع اسلوب نثر فارسی را به عربی انتقال می‌دهند کتاب‌هایی چون کلیله و دمنه و عهد اردشیر چنان مورد استقبال قرار می‌گیرند که کسانی چون یمنی وجود آنها را خطری در مقابل اندیشه‌های دینی دیده، دست به قلم می‌شوند.

در این میان شاعران عرب‌نژاد چون ابوالعتاهیه، صالح بن عبدالقدوس، عتبی و... نیز شیفته فرهنگ و ادب ایران شده، حکمت‌های ایرانی را در اشعار خود به کار می‌گیرند تا آنجا که ابوالغلاز عسکری اعلام می‌کند، صالح بن عبدالقدوس بیش از ۱۰۰۰ مضمون حکمی ایرانی را در دل اشعار خود جای داده است.

نتیجه این مقدمه این است که در کنار پژوهش‌هایی با محوریت تأثیر فرهنگ و ادب عربی در ادب فارسی، لازم است تأثیر ادب و فرهنگ ایرانی در ادب عربی هم مورد توجه پژوهشگران و محققان قرار گیرد.

از این رهگذر، این مجموعه از مقالات شامل ۲۲ مقاله چاپ شده در مجلات علمی- پژوهشی و علمی- تخصصی و ۸ مقاله مستقل است که در هیچ نشریه‌ای به چاپ نرسیده است. وجه اشتراک این ۳۰ مقاله از یک سو مضامین مشترک در ادب فارسی و عربی است و از دیگر سو نقد و بررسی برخی پژوهش‌های تطبیقی در حوزه ادب فارسی و عربی.

برخی موضوعات محوری در این ۳۰ مقاله عبارتند از: تأثیر اندیشه‌های ایرانیان باستان در ادب عربی با نقد برخی دیدگاه‌های علی اکبر دهخدا در امثال و حکم؛ عبدالحسین زرین کوب در گلستان سعدی؛ مهدی محقق در شرح اشعار ناصر خسرو؛ سید محمد دامادی در کتاب مضامین مشترک؛ مقایسه‌ی صد پند مکتوب بر تاج انوشروان با فرهنگ اسلامی و....

از دیگر موضوعات محوری در این مجموعه مقاله، تحقیق در منابع داستان‌ها و حکایات فارسی در منابع عربی است از جمله تحقیق در روضه اول بهارستان جامی؛ نقد و بررسی منابع حکایات کتاب جامع التمثیل، و... در پایان ذکر دو نکته لازم می‌نماید و آن واکنش تند برخی همکاران محترم دانشگاهی است که دیدگاه‌های نقد منصفانه را برنمی‌تابند، گویی این عزیزان بر این باورند که پژوهشگران در هر دوره و هر مرحله از مراحل رشد خود از نقص و کاستی میرا هستند و در هر مرحله به آخرین حد کمال دست یافته و امکان پیشرفت و کمال برای آنان وجود ندارد. راقم این سطور ضمن پوزش فراوان از همه کسانی که دیدگاه‌های آنها را مورد نقد و بررسی قرار داده است بنا به گفته حکیمانه بزرگمهر «همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر نزادداند» معتقد است با وجود توسعه و پیشرفت شیوه‌های پژوهشی و اطلاع رسانی، می‌توان دیدگاه‌های بزرگانی چون دهخدا و زرین کوب را در بوته نقد قرار داد و در بسیاری از موضوعات ادبی به اطلاعاتی دست یافت که آنان به سبب عدم دسترسی به منابع، از آنها محروم بوده‌اند.

دیگر اینکه نقد به معنای ذکر نقایص و کاستی‌ها نیست، نقد منصفانه به معرفی مقاله‌های ارزشمند می‌پردازد و با ذکر نقاط قوت و مثبت آنها، ارزش‌های پژوهش‌های ناشناخته را نشان می‌دهد. در هر صورت باید پذیرفت که برای هر پژوهشی هر چند ارزشمند و بزرگ، راه نرفته و سخن ناگفته بسیار است و برای بالا بردن سطح ارتقای پژوهش، لازم است هر دیدگاهی زیر ذره بین دیگران قرار گیرد.

بازشناسی منابع حکمت‌های عربی کتاب امثال و حکم دهخدا*

چکیده

در «امثال و حکم» دهخدا حکمت و امثال عربی بسیاری وجود دارد که به منبع آنها اشاره نشده و یا به اشخاصی غیر از صاحبان اصلی آنها نسبت داده شده است. بخشی از این اقوال حکیمانه که دهخدا آنها را از منابع فارسی مثل مرزبان نامه، قابوس نامه و... نقل کرده است، متعلق به فرزندگان و حکیمان ایرانی قبل از اسلام است که به طرق مختلف وارد فرهنگ عربی شده ولی به تدریج با گذر از دهلیز زمان هویت ایرانی خود را از دست داده رنگ و بوی عربی یافته است. چندان که از دید بسیاری، از جمله ادیب نکته سنج و ایران دوستی چون دهخدا، پنهان مانده است. این مقاله حاصل پژوهشی درازدامن است که نتیجه‌ی آن دستیابی به ۳۰ مورد از این اقوال است. ارائه‌ی اسناد و مدارک قدیم و دست اول این اقوال از یک سو نشانگر غنای فرهنگی ایرانیان باستان و از دیگر سو شاهد صادقی بر دگرگونی‌های حقایق در گذر زمان است. به این امید که این تحقیق راه را برای پژوهش‌های جدید و تازه در خصوص تأثیر فرهنگ ایران قبل از اسلام در ادبیات عرب باز کند.

کلیدواژه: دهخدا، امثال و حکم، حکمت ایران باستان، امثال عربی.

*. چاپ شده در مجله‌ی علمی-پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، پاییز ۱۳۸۴، شماره‌ی ۳، صص ۶۹-۵۵.

مقدمه

علی‌اکبر دهخدا در کتاب «امثال و حکم» خود به بیش از ۳۰۰۰ جمله‌ی عربی در قالب آیات قرآن، احادیث، اشعار، اقوال بزرگان و حکمت و مثل اشاره کرده است.

در این کتاب، آیات قرآن با نام سوره و شماردی آنها مشخص شده است. احادیث منسوب به علی (ع) با نام حضرت معین شده و در بقیه‌ی احادیث به لفظ «حدیث» اکتفا شده است. در استناد به اشعار، شیوه‌ی ثابتی وجود ندارد، در برخی موارد به نام شاعر اشاره شده ولی در غالب اشعار نامی از شاعر به میان نیامده است.

دهخدا در خصوص اقوال و امثال عربی که موضوع این مقاله است از روش یکسانی استفاده نکرده، قریب به اتفاق امثال عربی خود را از کتاب‌های فارسی مثل مرزبان نامه، قابوس نامه، گلستان و... نقل کرده و برخی را نیز بدون نام منبع و گوینده آورده است.

از آنجا که دهخدا این مجموعه را از کتب معتبر و مشهور فارسی و به ندرت عربی جمع کرده، خود را ملزم به تتبع و تفحص در کتابهای قدیم‌تر و دست اول نکرده است. البته هیچ خرده‌ای در این کار بر او نمی‌توان گرفت زیرا هدف از جمع آوری این اقوال تألیف دائرة المعارفی از حکمت و اندرز رایج در ادب فارسی بوده و داعیه‌ای برای کشف منابع اصلی و واقعی این امثال نداشته است. حال آنکه تعداد قابل توجهی از این اقوال متعلق به اندیشمندان و فرزندان ایرانی قبل از اسلام است که در نهضت ترجمه در دوره عباسی وارد زبان عربی شد ولی با گذشت زمان در زبان عربی استحاله شده، به تدریج صبغه و رنگ عربی گرفت و در نهایت نام و نشانی از هویت ایرانی آنها باقی ماند. تا آنجا که بسیاری از محققان از جمله محقق ژرف اندیش و وطن پرستی چون دهخدا متوجه این موضوع نشده، یا نام صاحبان اصلی آنها را ذکر نکرده و یا آنها را به کسان دیگری نسبت داده است.

نویسنده‌ی این مقاله با تتبع و تحقیقی مفصل و پرداخته در امثال عربی و فارسی کتاب ارجمند امثال و حکم به ۳۰ مورد از این سخنان حکمت آمیز دست یافته، امید دارد که با باز کردن این زاویه، روزه‌های جدیدی برای تحقیق‌های گسترده‌تر و ایجاد فرضیه‌های جدید باز شود و از این دریچه موضوع تأثیر

فرهنگ و ادب ایرانی در ادب عربی مورد بررسی قرار گیرد تا معلوم گردد چگونه حقایق فرهنگی و تاریخی با گذشت زمان در غبار مسخ و فراموشی قلب و دگرگون می‌شوند.

قبل از ورود به بحث اصلی برای توضیح بیشتر ناچار از طرح چند موضوع هستیم:

ارزش کار دهخدا

کتاب «امثال و حکم» گنجینه‌ی پر دُر و گوهری است که تنها ادیبی علامه و فرزانه‌ای ژرف یاب چون دهخدا توانسته است با حسن نظر و انتخاب عالمانه‌ی خود به ملت ایران هدیه دهد. دهخدا با تدوین چنین کتاب گرانسنگی از مثل‌ها و نکته‌های حکمت‌آمیز، در قالب نظم و نثر، در آثار هزار ساله‌ی فارسی، خدمتی بس گرانبها به فرهنگ ملی ایران انجام داد. این کتاب نخستین اثر ارزنده در موضوع فولکلور فارسی و دریای عظیمی از میراث فرهنگی و ادبی ایران است که با دسته بندی و ارجاع امثال مشابه، تألیف گردیده است. «به اتفاق اهل نظر اگر دهخدا از حکیم طوس بالاتر و والاتر نباشد فرودست تر و کمتر نیست». (عنایت، ۱۳۵۱: ۶) همگان بر ارزش علمی و ادبی آثار دهخدا اذعان دارند. لویی ماسینیون آثار علمی دهخدا را هرکول آسا خوانده است. (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۵۵) برخی صاحب نظران او را در فضل و ادب یا صاحب بن عباد مقایسه کرده‌اند. (ر.ک. تقی زاده، ۱۳۰۷: ۶۱۳). خانلری عظمت قدر و مقام علامه دهخدا را در خدمت به ادبیات فارسی به حدی می‌داند که «چون از آن (خطاها) سخن به میان آید، در جنب آن بسیار ناچیز می‌نماید و در خور گفتگو نمی‌باشد». (خانلری، ۱۳۳۵: ۹۴)

از تقی زاده نقل شده که اگر در آثار دهخدا ده هزار غلط هم پیدا شود با ترجمه به عظمت کار او طبیعی و قابل چشم پوشی است (استادی، ۱۳۷۷: ۷) به تعبیر دیگر آثار دهخدا به علت گستردگی و حجم بسیار، مانند دریایی است که به واسطه‌ی اغلاط و اشتباهات محدود تنجس نمی‌پذیرد.

در طی بیش از ۷۰ سالی که از انتشار «امثال و حکم» می‌گذرد انتقادات علمی مختلفی بر آثار دهخدا صورت گرفته است.^۱ نویسندگی این مقاله که از دوران نوجوانی مفتون و شیفته‌ی امثال و حکم بوده و جریحه‌نوش این چشمه‌ی زلال بوده است، با کمال احترام به ساحت همه‌ی استادان و محققان به ویژه علامه «علی اکبر دهخدا» و پوزش فراوان، بی آنکه قصد جسارت و بی احترامی به مقام علمی بزرگان

داشته باشد، مدعی است که دهخدا در گردآوری امثال و حکم از منابع اصیل و دست اول استفاده نکرده، بسیاری از کلمات و اقوال حکیمانه ی فرزندگان و اندیشمندان ایرانی را که در متون عربی قرن دوم تا پنجم آمده در کتاب خود یا بدون انتساب به صاحبان اصلی آنها و یا به غلط بر اساس منابع متأخر به دیگران نسبت داده است.

منابع دهخدا در کتاب «امثال و حکم»

جز فهرست اعلام و اشاره های پراکنده ای که مرحوم دهخدا به اقوال گویندگان و شاعران مشهور کرده است، راهی برای تشخیص نام گوینده و یا منبع خبر در بسیاری از حکمتهای فارسی و عربی در این کتاب ارزشمند وجود ندارد. از سخن خائوری بر می آید که منابع امثال و حکم، کتب فارسی بوده است: «دهخدا کتاب امثال و حکم را ضمن آنکه کتب ادبی زبان فارسی را به قصد تحقیق در لغت و فراهم کردن فرهنگ بزرگ خود مطالعه کرده، گرد آورده است یعنی این کار عظیم خود فرع کار بسیار عظیم تری بود که تدوین لغت نامه است» (خائوری، ۱۳۳۵: ۹۳) علاوه بر امهات کتب فارسی، حدود ۱۰۰۰ مثل از «مجمع الامثال» میدانی، ۱۰۰ مثل از «مجموعه مختصر امثال» چاپ هند، ۳۰۰ مثل از «جامع التمثیل» چاپ هند، و چند مثل از کتاب هندی «شاهد صادق» در این کتاب آمده است. (آرین پور، ۱۳۷۴: ۴۵۴)

نظر دهخدا درباره ی فرهنگ باستانی ایران

قبل از بررسی شواهد این مقاله، شایسته است برای تبیین جایگاه خود و دانش ایرانیان باستان و انتقال آن به ادب عربی، تأمل کافی صورت گیرد (نک: سبزیان پور، ۱۳۸۴: ۱۲۷) زیرا یکی از مقدمات و فرضیات جنبی این مقاله، تاثیر فرهنگ ایرانی قبل از اسلام در ادبیات عرب است. ولی با توجه به بحث مشبع و بسیار غنی موجود در «امثال و حکم» (بخش ایرانی) دامن سخن را در این خصوص برچیده، به بررسی دیدگاه دهخدا در این خصوص بپردازیم.

بررسی نگرش دهخدا به فرهنگ باستانی ایران از آن جهت اهمیت دارد که معلوم گردد علت غفلت او از این منابع چه بوده است، زیرا ممکن است خواننده محترم تصور کند که دهخدا نسبت به گذشته ی ایران

و تأثیر فرهنگی ایرانیان بر ادب عربی، بی توجه و یا بی خبر بوده است در حالی که با دقت در این بخش معلوم می‌گردد که او سخت نسبت به گذشته‌ی ایران تعصب داشته و در کتاب امثال و حکم با رسیدن به چند بیت از اسدی طوسی با مطلع:

مزن رای با تنگدست از نیاز که جز راه بد ناردت پیش باز

(دهخدا، ۱۳۷۰: ۱۵۳۶)

عنان قلم از کف او خارج می‌شود و به طور کلی امثال و حکم را فراموش کرده بیش از ۱۵۰ صفحه از کتاب خود را به شرح و توضیح ابیات مذکور اختصاص می‌دهد در حالی که در این کتاب تعداد امثال و ابیاتی که شرح آنها بیش از یک صفحه است (حداکثر ۳ صفحه) از عدد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند. این بخش، گنجینه‌ایی مغشوش ولی پرگوهر از اطلاعات گوناگون درباره‌ی ایران باستان است، که همگی به منظور مدح و ستایش شاهان ایران باستان و وصف برتری، قدرت، دانش و اخلاق و تمدن و فرهنگ ایران باستان نقل شده است. بدیهی است که این بخش گسترده و فربه از «امثال و حکم» جلوه‌گاه فرهنگی مبارزات سیاسی و اندیشه‌های وطن پرستانه‌ی دهخداست.

از آنجا که ستون فقرات این مقاله مرتبط با تأثیر حکمت و دانش ایرانیان باستان در ادب عربی است، شایسته است این بخش از امثال و حکم را که در این مقاله «بخش ایران» می‌نامیم، مورد تأمل و بررسی کوتاهی قرار دهیم:

نظم و ترتیب بخش ایرانی

موضوعات این بخش بسیار آشفته و ژولیده است. جمله‌های عربی و فارسی از هم تفکیک نشده، پیدا کردن ابتدا و انتهای هر موضوع سخت نیازمند دقت و تأمل است. گاه یک مطلب چند جا تکرار شده به علاوه هیچ نوع دسته بندی در موضوعات مختلف و متنوع صورت نگرفته است. در واقع به نظر می‌رسد این بخش، خلاصه‌ایی از چند کتاب است که به شکل پراکنده و درهم در جای جای این قسمت قرار داده شده است.

منابع بخش ایرانی

در این بخش، علاوه بر وجود آیات و احادیث، اشعاری از شاعران عرب چون «بحتری»، «بشار»، «مهیاری» و... شاعران ایرانی چون «اسدی»، «فرخی»، «ملک الشعرای بهار»... مطالب طولانی و گاه بی ربط و پیچیده از کتاب‌های فارسی مثل «فارس نامه‌ی ابن بلخی»، «تورات»، «تاریخ بیهق» و... کتابهای عربی مثل «عمر اخبار ملوک الفرس ثعالبی»، «مقدمه‌ی ابن خلدون»، «مروج الذهب مسعودی» و... اقوال مستشرقین مثل «مارگلیوت» و نقل قول از افرادی چون «تاگور» و «دینشاه ایرانی» و... به شکل نامنظم و درهم دیده می‌شود، چندان که این سؤال در مقابل خواننده خود نمایی می‌کند که «نقل چند صفحه از یک کتاب چگونه مثل یا حکمت محسوب می‌شود؟»

ارزش بخش ایرانی امثال و حکم

نکته‌ی قابل ملاحظه این است که این بخش از امثال و حکم با همه‌ی آشفتگی و بی نظمی به یقین منبع الهام برای تألیف کتاب‌ها و مقالات بسیاری درباره‌ی ایران باستان شده است، زیرا به سهولت آثار این ژرف نگری و وسعت نظر دهخدا را در تحقیقات مربوط به فرهنگ ایرانی در ادبیات عرب که پس از دهخدا صورت گرفته از طریق مقایسه‌ی مآخذ و منابع آنها می‌توان دریافت.

موضوعات بخش ایرانی امثال و حکم

مطالب این بخش همگی در جهت اثبات برتری ایرانیان نسبت به دیگر اقوام از جهات گوناگون است، آیات، احادیث، اشعار و اقوال محققان و افراد سرشناس به گونه‌ای انتخاب شده که نشان دهنده‌ی فضایل و مکارم ایرانیان است، البته گاه در این راه افراط شده، به گونه‌ای که به نظر می‌رسد روحیه‌ی قومیت او بر دیگر ارزشهای اخلاقی و اعتقادی برتری دارد و همین موجب انتقاداتی بر او شده است.^۱ در اینجا به مهمترین موضوعات این بخش اشاره‌ای گذرا می‌کنیم و برای هر موضوع شواهدی از باب مشت نمونه‌ی خروار ذکر می‌کنیم:

۱- دانش و علم ایرانیان^۲

۲- برگزیدگی و برتری قوم ایرانی^۳